

آينه ديروز

انتخاب

بودجه پراز اشكال است

● گفت‌وگو با فرشاد مومنی: دولت برای بودجه عمرانی خود یک‌افزایش بسیار چشمگیر را لحاظ کرده که نزدیک به ۴۸هزارمیلیاردتومان را شامل می‌شود در حالی که با یک‌محاسبه ساده در مرکز پژوهش‌های مجلس نشان داده شده که سقف منابع قابل‌تخصیص به مسایل عمرانی حداکثر ۲۰هزارمیلیاردتومان در سال۱۳۹۴ خواهد بود. من به مابه‌التفاوت ۴۸هزارمیلیارد تا ۲۰هزارتومان کسری بودجه پنهان‌شده می‌گویم. در سند لایحه بودجه۱۳۹۴، مساله‌ای که حایزاهمیت است، این

است که تقریبا همه اشکالاتی که آقای رییس‌جمهور در جریان مبارزات انتخاباتی خود نسبت به رویه‌های دولت قبل مطرح می‌کرد، کم‌وبیش وجود دارد البته اگر بخواهیم انصاف را رعایت کنیم، باید گفت که این اشکالات از شب کمتری برخوردار است اما اصل آن جهت‌گیری‌ها همچنان شباهت‌های قابل‌اعتنا با یکدیگر دارند و به گمان من این شباهت برای شرایط خفیر کنونی اقتصاد ایران می‌تواند نگران‌کننده باشد.... سال آینده ذهن نمایندگان بیش از هرچیز درگیر انتخابات خواهد بود و طبیعی است که نمایندگان محترم انگیزه و تمایل قابل‌اعتنایی دارند به استقبال از تزریق‌های بی‌ضابطه و نمایشی و این یک‌خطر بسیار بزرگ برای کل نظام اقتصادی کشور محسوب می‌شود....

ایران

استاندار دوگانه برای قدم‌زدن هسته‌ای

● در حالی که مذاکرات هسته‌ای میان ایران و شش‌قدرت ۵+۱ پی‌روژه به حساس‌ترین مراحل خود رسیده است، پیاده‌روی وزیران خارجه ایران و آمریکا در خیابان و در جریان یکی از مذاکرات حساس ژنو به دستمایه همهج و فشارهای برخی از جریان‌های تندرو و مخالف علیه دیپلماسی دولت روحانی تبدیل شده است.... مخالفان در حالی پیاده‌روی ۱۵۰قیقه‌ای طرفی با حمایت آمریکایی خود را زیر سوال برده‌اند که مشابه همین اقدام در سال۲۰۰۹ و در حاشیه نشست ایران و ۵+۱ که هدایت تیم مذاکره‌کننده ایران را سعید جلیلی عهده‌دار بود، اتفاق افتاده است. براساس گزارشی که برخی منابع داخلی به نقل از نشریه غربی ساندی تایمز منتشر کردند، سعید جلیلی به‌صورت اتفاقی و بدون برنامه‌ریزی قبلی، به پیشنهاد نماینده انگلیس، در فضای سبز با معاون وزیر خارجه آمریکا به‌مدت ۴۵ دقیقه قدم‌زده و گفت‌وگو کرده است؛ اتفاقی که هرگز رسانه‌ای نشد و با کوچک‌ترین واکنشی از سوی همین جریان‌های مخالف روبه‌رو نشد....

قانون

حصر وهسته‌ای با رفتارندو حل نمی‌شود

● گفت‌وگو با محمدرضا باهنر، نایب‌رییس مجلس: همه‌پرسی در سیاست‌خارجی حماقت استحصر از مقوله‌های رفتاردومی نیست/ انتخابات بی‌رقیب معنا ندارد/ پایداری‌ها مجبورند با اصولگرایان ائتلاف کنند/مطهری آمده بود کسی او را بزند و نقشش را پاره کند/ اصلاح‌طلبان از پایگاه خوبی در کشور برخوردارند/ خاتمی هم باید در زمینه حوادث۸۸ جریان‌مافات کند/ می‌توانم زوری صدکد از اختلافات اصولگرایان به شما بدهم/ هردو جریان سیاسی دوست دارند رقیب‌شان به وحدت نرسد/ مذاکراتی با پایداری‌های انجام شده و فضای عمومی وحدت است/ دولت در کنترل تورم خوب عمل کرده است اما رکود هنوز وجود دارد/ اصلاح‌طلبان می‌توانند تعدادی از کرسی‌های مجلس را به دست آورند....

جمهوری اسلامی

جهت‌اطلاع

● رییس سابق «موساد» ایران را به قتل دادستان یهودی آرژانتینی متهم کرد. به گزارش بولتن‌نیوز، شایتنی شلویت، رییس سابق موساد، سازمان‌ها اطلاعات و امنیت رژیم صهیونیستی، در یک برنامه رادیویی گفت: ایران به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در قتل البرتو نیسمان دست داشته است چرا که او قرار بوده پرونده‌هایی در رابطه با نقش ایران در انفجار آمیا را افشا کند. نیسمان، دادستان ۵۰ساله آرژانتینی در تاریخ ۱۳۱ژانویه با گلوله‌ای که به سر او در حمام خانه‌اش شلیک شده بود پیدا شد. درست شب قبل از جلسه او با کنکره آرژانتین این اتفاق رخ داد و او قرار بود با ادعاهایی به کنکره آرژانتین برود و در رابطه با توافق «کرچنر» با ایران حرف‌هایی بزند. او ادعا کرده بود که کرچنر سعی دارد دخالت ایران در بمب‌گذاری مرکز یهودیان را نادیده بگیرد. شایوت، رییس سابق موساد بدون اینکه سندی برای ادعای خود ارائه کند، صرفا براساس احتمال و گمان، ایران را متهم نموده و می‌گوید: یکی از حدس و گمان‌های من این است که به دلیل اقداماتی که نیسمان انجام داده تا نشان دهد ایران در این بمب‌گذاری دخالت داشته است هدف قرار گرفته است. در همین حال، کرچنر رییس‌جمهور آرژانتین، این ادعا که مرگ نیسمان برای سروپوش‌داشتن بر ارتباط کرچنر با ایران بوده را رد می‌کند و این ادعا که ایران در بمب‌گذاری دخالت داشته را دلیلی بر مرگ نیسمان ندانند.

سیاست

گفتاری منتشر نشده از شهید آیت‌الله دکتر بهشتی

نظام قالبی، حتی اگر برای بشر بهشت هم بسازد خسته‌کننده است



علی‌اکبر علیرضا

چیزها قالبی شده و چند قالب معین است. باید در یکی از این قالب‌ها رفت و ساخته شد و فرصتی برای بروز انسانیت ما به چشم نمی‌خورد؛ ما می‌خواهیم قبل از هر چیز انسان باشیم و حاضر نیستیم تا سطح یک بیچ و مهره در ماشین اجتماع تنزل کنیم. این مرد و همسرش جدایی بیندازند، درعین‌حال آنها برای هیچ‌کس زبانی نداشتند مگر به اذن خدا، آنها چیزهایی یاد می‌گرفتند که برایشان ضرر داشت نه سود، آنها به خوبی می‌دانستند که هرکه خریدار جادو باشد در آخرت بهره شایسته‌ای ندارد، خود را به به چیزی فروختند. اگر آنها ایمان آورده و به راه تقوی رفته بودند پاداشی از خدا به آنها می‌رسید بهتر از اینها، اگر می‌دانستند.

ما از ترجمه این آیات چه فهمیدیم و چه

دستگیرمان می‌شود؟ فسما به چه مطلبی در این آیات برخوردید که توجه‌تان را زیاد جلب کرد. اول این سوال را می‌پرسم، بعد از اینکه جواب گرفتم وارد بحث می‌شوم. اگر دوستان کسی اطلاع است پاسخ دهد که از ترجمه آیات چه دستگیرش شد و چه چیز توجه او را جلب کرد بفرمایند... (نوار نامفهوم است).

نظام اجتماعی ایده‌آل از دیدگاه اسلام

مطلب اول که در بخش ابتدای آیه است، بازگوکننده بخشی بسیار قابل توجه در ساختمان جامعه ایده‌آل است. به‌دنبال راه‌ها و تعلیماتی رفتند که شیطان‌ها در قلمرو زمامداری و پاسداری سلیمان مردم را به آن دعوت می‌کردند و آن اینکه مردم را به راه سحر و جادو می‌خواندند. خوب عنایت بفرمایید به مساله‌ای که با الهام از این بخش آیه طرح می‌کنم که به نظر من بزرگ‌ترین مساله عصر ما است. آیا یک جامعه خوب، یک محیط اجتماعی خوب و یک حکومت خوب، جامعه، محیط و حکومتی است که در نظام تعلیم و تربیتی، نظام حقوق جزایی، نظام حقوق مدنی و نظام اقتصادی و اداری آن هیچ راه و امکانی برای انحراف احادی باقی نگذارد؟ در تعلیم و تربیت نظامی را انتخاب کند که هیچ‌کس دچار تربیت فاسد نشود؟ یعنی از نظر حقوق جزایی چنان نظام جزایی و کیفری‌ای درست کند که احدی جرات اینکه به فکر گناه، تجاوز و انحراف بیفتد، پیدا نکند و نظام و حقوق قضایی و مدنی آن، چنان باشد که هیچ‌کس نتواند از چنگال قانون گریزد و حقی را پایمال کند؟ آیا باید نظام اجتماعی چنان باشد که هیچ‌کس نتواند از دایره محدودی با فراتر نهد و نظام اداری آن چنان محکم و عادل باشد که هیچ‌کس در آن سازمان نتواند از اصول و مقررات تخلف کند؟

آیا نظام اجتماعی مطلوب برای انسان‌ها آن نظامی است که سرانجام آن یک سلسله «تواندانه» باشد؟ شاید انسان تن‌آسای آسایش‌طلب بگوید: بله! یک نظام ایده‌آل همین است؛ یعنی انسان باید درجامع‌ای زندگی کند که اصلا راهی برای گناه، فساد، تجاوز و انحراف باز نماند. ولی با کمال تأسف، طبع آدمی و انسان با چنین نظامی هماهنگی ندارد. امروز بزرگ‌ترین مساله اجتماعی زمان ما، عصیان نسل جوان علیه نظام‌های قالبی است که نظامی کدام است؟ نظام قالبی این است که انسان را در جهت‌های مشخص بسازد و به او امکان انتخاب کمتر بدهد. در سال۱۹۶۸، در فرانسه یک سلسله فعالیت‌های وسیع پهناور و توأم با عصیان و سرکشی که به رهبری نسل جوان به خصوص جوانان تحصیل‌کرده اداره می‌شد، به وجود آمد که تا مدتی در این کشور بحران اجتماعی سختی به وجود آورد. در آنجا با عده‌ای از رهبران و سلسله‌جنان آن عصیان‌ها مصاحبه‌هایی می‌شد که منتشر شد. فراز اصلی این مصاحبه‌ها این بود که نسل جوان می‌گوید: ما از این زندگی قالبی خسته‌ایم و احساس خستگی می‌کنیم. همه چیز زندگی ما قالبی شده است؛ تعلیم و تربیتش، انتخاب کارش، حتی لباس پوشیدنش، خانه داشتش، وسیله نقلیه داشتش، عموم این

متعارف زندگی نیست، یا لافائل کله اصلی این نیست. کله اصلی چیز دیگری است؛ این است که انسان در صورتی انسان است که بیندیشد! بسنجد! آنگاه تصمیم بگیرد و خود را در جهت تصمیمی که خودش گرفته بسازد. معلوم می‌شود خواست بزرگ انسان این است. همان چیزی که به آن اختیار می‌گوییم. باز در دامان بحث پیچیده جبر و اختیار می‌افتیم، ولی به قول مولای رومی، از این بحث‌های فلسفی صرف‌نظر کن: «اینکه گویی این‌کیم یا آن کیم، خود دلیل اختیار این‌کیم نیست». الان اختیار، مورد بحث ما نیست. نمی‌خواهیم به جنبه‌های پیچیده فلسفی این بحث تا فرصتی مناسب دست بزنیم. چیزی که در این بحث‌های جاری با آن سروکار داریم این است که یک وقت انسان در حالتی قرار می‌گیرد که به‌ندرت می‌گوید آیا این کار را بکنم یا آن کار را بکنم. به هر راهی می‌رود، می‌بیند راه بازنشده منحصربه‌فردی جلویش قرار دارد که باید آن را ببرد. انسان از این‌گونه راه‌ها خسته می‌شود؛ چون به تردید، تأمل، سنجش، مقایسه، اندیشه و تصمیم نیاز دارد. این‌جا جزو نیازهای انسان است.

دقت کرده‌اید افرادی که فعالیت‌های آزاد دارند باشناظرتند و اگر خودشان را بیش از حد خسته نکنند، نشاط آنها بیشتر و تجلیات برجسته

انسان هوشمند در آنان بیشتر است؟! می‌بینید حتی پیشه‌وری که شغل آزاد دارد، از یک پروفیسور که شغل مشخص دارد و از یک مدیرکل که مسیر مشخص فرمایشی دارد، سرزنده‌تر است. چون جهت حساس در انسانیت است که در او بیشتر نمود پیدا می‌کند. یک جهت است، ولی جهتی حساس، که از بزرگ‌ترین مزایای انسان و انسانیت است و در او بیشتر تجلی می‌کند. تردید، تأمل، مطالعه، سنجش، انتخاب و تصمیم در زندگی او بیشتر است و زندگی او کمتر قالبی است. زندگی او بیشتر با سازندگی همراه است و انسان، چنین موجودی است. انسان موجودی است که احتیاج دارد زندگی خودش را بر این مینا بسازد و برپدازد. بنابراین نسل جوان عصیان می‌کند و می‌گوید این نظام اجتماعی شما، بیش از حد به ما خوراک آماده می‌دهد. ما به این مقدار خوراک آماده نباید تن در بدهیم، بگذارید خودمان انتخاب کنیم و بسازیم. در یک تحلیل مفصل که در یک نشریه سالانه، در زمینه نهضت هیپی‌گری کنونی در دنیا به وسیله یکی از کارشناسان صورت گرفت که قسمت‌های زیادی از اروپا، آسیا و آمریکا را گشته بود و در سلسله نوشته‌هایی، فشرده و کوتاه گزارش داده بودند، در این مطلب به چشم می‌خورد که یکی از عوامل اصلی که جوانان را به این کاتال انحرافی کشانده است، خستگی از زندگی مصنوعی و قالبی است. معلوم می‌شود زندگی قالبی با مزاج انسان چندان سازشی ندارد. بنابراین آنچه در آغاز سخن عرض کردم که آیا نظام اجتماعی مطلوب عالی ایده‌آل ما آن است که هیچ امکان چپ و راست رفتن به کسی بدهد یا نه؟ وقتی انسان کمی دقت می‌کند، پاسخش این است که: می‌بیند نخبر! چنین نظامی، نظام مطلوب عالی نیست. نظام عالی آن است که بیشش بدهد؛ محیط اجتماعی مساعد بسازد؛ امکانات در اختیار اشخاص بگذارد؛ اما جنبه الزام و اجبار و یک‌سورگاری در جامعه حاکم نباشد، راه تخلف برای انسان‌ها باز بماند؛ مگر در مواردی که تخلف، فسادهای بزرگ به‌وجود آورد. در آن‌موقع هم در درجه اول، امکان تخلف را می‌دهد، اما بعد متخلف را سخت مجازات می‌کند؛! وگرنه اگر باز بخواهد تمام راه‌های احتمالی همان تخلف‌های بزرگ را هم ببندد، خودبه‌خود منجر به نظام قالبی می‌شود و نظام قالبی با طبع یش سازگاری چندانی ندارد. اگر نظام قالبی ساخته شد، عصبانی بس خطرناک‌تر به صورت عصیانی که امروز ملاحظه می‌کنید، به وجود می‌آید. آیا اینکه در نظام‌های مختلف اسلامی آن قالب‌های محکم وجود ندارد، نمی‌تواند

ناظر به یک واقعیتی از طبیعت بشر باشد؟ آیا با این بیان که عرض کردم، قابل تفسیر، توضیح، تبیین و طرح نیست؟! اگر نظام اقتصادی اسلام به‌هرحال نوعی امکان به اشخاص می‌دهد که احیاناً به راه استثمار و بهره‌کشی هم بروند، آیا نمی‌تواند ناظر به این مطلب باشد؟ من نمی‌خواهم بگویم اسلام به استثمار صحه می‌گذارد، مبادا این جور فهمیده شود، هرگز! ولی می‌گویم اگر امکان استثمار را از هر طرف نمی‌گیرد، آیا ناظر به این نیست که مبادی کم و بیش آزاد بگذارد تا ببینیم شتاکر قابل کیست؟ آنچه اسلام در کنارزدن این استثمار لازم دانسته، این است که در کنار این امکان، امکانات لازم برای پرورش استعدادهای همگان از نظر اقتصادی تضمین شود. این در نظام اقتصادی اسلامی وجود دارد. اتفاقاً آن چیزی که بیش از همه خطرناک است، به استثمارهای گشنده جامعه‌های بزرگ کاپیتالیستی منجر می‌شود، این است که سردمداران آن جوامع می‌کوشند، امکان رشد را برای مردم دیگر ضعیف کنند و این امکان را از دست آنها بگیرند تا همواره قابل بهره‌کشی بمانند. اسلام این را سخت می‌گوید و نظام اقتصادی اسلام، حتی همان‌هایی که در عصر خود پیغمبر(ص) اجرا شد (من فعلا وارد آن کلیاتی که در زمان ما، شرایط و نظام‌های دیگری

را هم می‌توان از آن استنباط کرد نمی‌شوم) کاملا در این جهت قرار داشت که به همه‌کس امکان زندگی توأم با شکوفایی استعدادها را می‌داد. این مهم است و باید تضمین شود. اگر این تضمین نشود، آن وقت زندگی قالبی شده است. زندگی برای مردمی که امکان شکوفایی استعدادها از دستشان گرفته شده، قالبی می‌شود که باز نقض غرض است. اما نوعی گریزگاه برای مردمی که احیاناً طبیعی سرکش داشته باشند، هم در مباحث و کتاب‌هایی به‌عنوان نظام اجتماعی اسلام طرح شده و هم در آنچه از ظاهر آیات و روایات به چشم می‌خورد، وجود دارد. این گریزگاه‌ها بر همین اساس هستند و اگر این گریزگاه‌ها را بستیم، نظام قالبی می‌شود و نظام قالبی، حتی اگر بهشت هم بسازد، برای بشر خسته‌کننده است. اگر قرار بود بهشت در این دنیا نصیب ما شود، خدا در همین دنیا برایمان می‌آفرید؛! بهشت را گذاشته است برای آن دوره‌ای که بشر دیگر تلاش‌گر نیست؛ این دوره، دوره تلاش است. دوره تلاش باید نشیب و فراز داشته باشد. باید راه‌های بیچ و خم‌دار باشد؛ راه‌های یک راست که با علامت‌های مشخص، معین شده است و حتی جهت هم به آن داده شده، تلاش نمی‌خواهد! به همین خاطر در بسیاری از آیات قرآن خطاب به پیغمبر و مسلمان‌ها گفته می‌شود: اگر خدا می‌خواست همه را یکپارچه خوب می‌کرد، اما خدا چنین خواستی نداشته است. قرار بر این بوده یکپارچگی که همان زندگی قالبی باشد، در زندگی بشر نباشد.

(وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينِ عَلَيٰ مُلْكٍ سَلِيمًاوَمَا كَفَرُ سُلَيْمًاوَلَكِنَّ الشَّيَاطِينِ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسُ الشُّرَكَ)

به‌دنبال الهام‌بخشی‌های رهبران ضلال و گمراهی رفتند، اما نگویید که پس سلیمان چه کار می‌کرد؟ مگر سلیمان زمامدار خوبی نبود؟ نکند سلیمان در ایفای وظایف زمامداری کوتاهی کرده و نعمت خدا را کفران کرد؟ چرا جلوی این رهبران ضلال را نگرفت؟ نه، او در کارش کوتاهی نکرد؛! قرار نیست در جامعه انسان‌های آزاد، هیچ گونه بلندگوی ضلالتی وجود نداشته باشد. بلندگوی ضلال هست؛! قرار نیست سانسور اتقدر شدید باشد که اصلا آوا و آهنگ مخالفی نباشد، این‌طور نیست. این‌گونه سانسور در جامعه اسلامی نیست. آوای مخالف ظهور می‌کند وگرنه انسان‌ها در جهت انسانیت‌شان ساخته نمی‌شوند و زمینه تکامل در آن جهت اصلی انسانیت ضعیف می‌شود. پس سلیمان در ایفای وظایف زمامداری‌اش کوتاهی نکرده بود. (لَكِنَّ الشَّيَاطِينِ كَفَرُوا) این انسان‌های گمراه بودند که به راه کفر رفته بودند. اینجا چه کار می‌کردند؟ (يَعْلَمُونَ النَّاسُ الشُّرَكَ).

سحر و جادو: انحراف از راه راستین زندگی

مطلب دوم که در این آیه آمده است مطلب سحر است. یکی از دوستان گفتند: آن روزها مردم به دنبال سحر می‌رفتند، ولی متأسفانه امروز هم دنبال سحر هستند. منتهی اولاً سحر رنگش عوض شده است، ثانیاً سحر به همان رنگ پیشین هم، در بخش‌هایی از جامعه ما هنوز هست. در کنار خیابان‌ها این همه فال‌گیر و از این قبیل چیزها؛ کف‌بینی‌ها، طالع‌بینی‌ها، پیش‌گویی‌ها و دقترهای پررونق در همین جامعه خودمان وجود دارد. تا زمانی که مردمی با سطح یابینی از معرفت زندگی وجود دارند، چنین دکان‌هایی باز می‌ماند و رونق می‌گیرد. مگر این را گفته‌ام که من شخصاً استاد دانشگاه عوام که معرفتش از زندگی پایین است، زیاد دیده‌ام. عالم دینی عوام زیاد دیده‌ام، واعظ شهیر عوام زیاد دیده‌ام؛ نویسنده زبردست عوام، مکرر دیده‌ام؛ عوامی یعنی از معرفت صحیح زندگی کم‌بهره‌بودن؛ این معنای عوامی است و از این سری عوام‌ها در زندگی ما فراوان است و تا هست، این دکان‌ها هم باز هستند. اگر می‌خواهید مبارزه صحیحی با اینگونه انحراف‌ها داشته باشید باید در بالابردن معرفت صحیح نسبت به زندگی در جامعه‌مان کوشش فراوان داشته باشیم.

بنده این را در جهت مبارزه‌های اجتماعی مکرر به دوستان گفته‌ام؛ مبارزات اجتماعی موقعی می‌تواند فایده داشته باشد که قبل از هرچیز در داخل نظام مبارزه، کوشش گردد تا در درجه اول، معرفت خود مبارزان نسبت به زندگی بالا برده شود وگرنه مبارزات به‌زودی از مسیر منحرف می‌شود. همان مبارزه‌ای که می‌خواست بت‌شکن باشد، بت‌شان می‌شود؛ همان چیزهایی که در تاریخ بشریت اینقدر تکرار شده که اگر ما بخواهیم دوباره تجربه کنیم، خیلی آدم‌های نادانی هستیم. یعنی آدم‌هایی خیلی کون‌با لجوج هستیم؛ لجوج در برابر تجربه تاریخ. بنابراین راه اصلی پیشگیری از این انحراف‌ها، بالابردن سطح معرفت انسان‌ها و اعضای جامعه نسبت به زندگی است؛ این مساله خیلی عالی است و این معرفت بسیار پراچ است. اگر در روایات ما علم ادیان فوق همه علوم تلقی می‌شود، نباید منجر به این شود که چون بنده عالم دینی هستم به همه علمای دیگر تفاخر کنم و بگویم علم من فوق همه علم‌هاست. بنده هم که عالم این علم هستم، فوق و تاج سر همه علما هستم!

ادامه در صفحه ۷

آينه ديروز

۹سال پيش درچنين روزي

کیمیان

- رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران مراسم حج اعلام کردند: ملت‌های مسلمان عقبه سیاسی ایران در جهان
- روستائیان ۱۰ روز دیگر ۵میلیون تومان وام می‌گیرند
- آیت‌الله‌سیستانی با صدور بیانیه به ملت عراق: برای سرکوب تروریزم همه باید از دولت حمایت کنیم
- ۱۰هزار تظاهرکننده در کاراکاس: هیتلر آمریکا تشنه نفت است
- ریس سازمان توسعه و تجهیزات مدارس کشور خبر داد: مقاوم‌سازی مدارس کشور با استفاده از حساب ذخیره ارزی
- وزیر خارجه در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با همتای بحرینی: اسناد دخالت انگلیس را در انفجارهای اهواز ارایه می‌کنیم
- بارگاه امام‌رضا(ع) سفیدپوش شد
- واشنگتن‌پست: کاخ سفید بازنده اصلی انتخابات فلسطین است
- یادداشت روز، زوال روشنفکری مدرن: «... دومینوی دموکراسی آغاز شده است. بپسندید یا نپسندید ملت‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان این بازی تقننی و سرکاری برای قدرت‌ها و توجیه‌گران آنها در حوزه روشنفکری را جدی گرفته‌اند اما آیا کسی از جماعت مدعی روشنفکری مدرن، سلامت نفس دارد که با رجوع به مسلمات همین آیین چشم‌ها را بشنود و دنیا را جور دیگری آن گونه که در حال پویایی و پس‌زدن ستم‌های رواداشته شده در حق جوامع انسانی است، ببیند...»

روزنامه شرق

- بودجه ۸۵ با یابگانی چشم‌انداز؟ مقاله‌ای از دکتر محمدستاری‌فر
- آزادی به‌مثابه رهایی، مقاله‌ای از دکتر سیدحسن نصر
- سیمرغ‌ها برای ستاره‌ها: ابراهیم حاتمی‌کیا، پرویز پرستویی، هدیه‌تهرانی و اصغر-فرهادی برندگان اصلی جشنواره ۲۴ فجر
- سر مقاله محمد قوچانی با عنوان مصائب امضاکردن به جای دیگران، درباره فیلم به نام پدر حاتمی‌کیا... در روزگاری که تخم صداقت را ملخ خورد و به جز به کنایه نمی‌توان سخن گفت این تنها سینما است که می‌تواند به داد سیاست برسد، سیاست در عصر ما چنان مبهم شده که جز با احتیاط نمی‌توان درباره آن سخن گفت. به نام پدر حاتمی‌کیا پایان تلاش نسل گذشته است برای جنگ...
- کروبی: اجماع اصلاح‌طلبان در حال شکل‌گیری است
- آیت‌الله صاعنی ترور به نام اسلام را محکوم کرد

ایران

- با توافق اولیه تهران- مسکو و ازسرگیری مذاکرات ایران و اروپا: تنش‌های هسته‌ای فرونشست
- سیمرغ بر شانه سینماگران
- از سوی سازمان حج و زیارت ترتیب یافت: ساماندهی زائران عتبات عالیات
- افراد مسلح فتح ساختمان پارلمان فلسطین را تصرف کردند
- جاور: ایران الگوی برجسته مبارزه با امپریالیسم

مهرگان

- رهبری: عقبه سیاسی ایران در میان ملت‌های مسلمان نباید در محاسبات فراموش شود
- رییس‌کل کمرک ایران، ۳۷میلیاردلار کالا سال آینده وارد کشور می‌شود
- وزیرخارجه انگلیس: دیپلماسی تنها راه‌حل موضوع هسته‌ای ایران است
- قدرتانی شهردار تهران از هوشیاری کارکنان زحمکش اتوبوسرانی

رسانه

- سردار کاظمی فرمانده لشکر هفت ولیعصر: انفجارهای اهواز کار خلق عرب وهایی‌ها بود
- حماس: طرح نقشه راه را نمی‌پذیریم
- متکی: اسناد مربوط به دخالت لندن در انفجارهای اهواز به مقامات انگلیسی ارایه می‌شود
- تولد گوساله با سری شبیه انسان
- ممنوعیت پخش برنامه‌های شبکه جهانی سحر

انتهای

- صید سیمرغ‌ها، فهرست کامل برگزیدگان پخش سینمای ایران و بین‌الملل
- کروبی: به‌دنبال تلویزیون آزاد هستیم، اجماع واقعی اصلاح‌طلبان در حال شکل‌گیری است
- دادستان کل کشور: تروریزم سبب سقوط هوایپای سی ۱۳۰ شده است
- اعتمادملی بررسی کرد: روابط ایران و انگلیس زیر سایه انفجار
- گاردین: به فلسطینبان احترام بگذارید
- خالد مشعل: همگان سوار قطار حماس شوند